



عیدمحمد عزیزپور

فصل سوم

کشورهای محاط در خشکه و پرسمان های ساماندهی بهره گیری از منبع های اقیانوس جهانی

در رابطه با رشد تندبادانه فناوری برای دسترسی به کانسارهای سودمند در ژرفناها و اعماق اقیانوسها و دریاها، و نیز در زمینه کشتی رانی و ماهیگیری، به تصمیم مجمع عمومی ملل متحد کنفرانس سوم ملل متحد درباره حقوق دریاها فراخوانده شد که برای تهیه آن چندین سال کمیته یی به نام کمیته استفاده صلح آمیز از بستر دریاها و اقیانوس های فراتر از محدوده عملکرد صلاحیت قضایی ملی مصروف بود.

نمایندگان دولتهای محاط در خشکه در کار آن کمیته و نشست های کنفرانس سوم سهم فعال داشته اند که در آن توجه زیاد به حل دشواری های مربوط به بهره برداری از منبع های جاندار و معدنی اقیانوس جهانی و دسترسی دولتها به منطقه بین لملی بستر دریاها (منطقه بستر دریاها بیرون از مرزهای فلات قاره) صورت گرفت.

۱ - ویژگی حق دولتهای محاط در خشکه در رابطه با بهره برداری از منبع

های جاندار منطقه اقتصادی دولت ساحلی همسایه

هنوز در نشست های نخستین آن کمیته، گروه پرشماری از کشورها، اول تر از همه کشورهای رو به رشد، پیشنهاد کردند که ضرورت است تا نیامندی های دولتهای ساحلی به دفاع، نگهبانی و تنظیم ماهیگیری به نفع شهروندان خویش، در منطقه بیرون از مرزهای آبهای سرزمینی، به رسمیت شناخته شود. این کشورها خاطر نشان نمودند که اصل آزادی ماهیگیری در آبهای آزاد که در حقوق بین الملل شناخته شده است، هر چند برابری حقوقی را در راستای بهره گیری از دارایی های آبهای آزاد، برای

تمام کشورها اعلان کرده است، اما در عمل، منفعت های دولتهای رو به رشد را تامین کرده نمیتواند، زیرا دولتهای روبه رشد، با نداشتن توانایی های مادی و فنی، نمی توانند دورتر از ساحلهای خویش به گونه یکسان با آن دولتهای که چنین توانایی را دارند و صاحب ناوهای ماهیگیری مجهز و بسیجیده اند، ماهیگیری کنند.¹ این دیدگاه در کمیته بستر دریاها و کنفرانس سوم ملل متحد درباره حقوق دریا ها از سوی بیشترین کشورها پذیرفته شد و در بسی از پیشنویس ها در رابطه با حقوق دولت های ساحلی، به برقراری منطقه انحصاری ۲۰۰ میلی بازتاب یافت. منطقه اقتصادی آن منطقه دریایی است که به دریای سرزمینی پیوسته بوده و دولت ساحلی در آن حق حاکمیت خویش را بر منبع های زنده و کانی (معدنی) که در دریا، بستر دریا و زیربستر آن واقع است، اجرا می کنند.²

گروهی کوچکی از دولتهای امریکایی لاتین مانند اوراگوای، پیرو، اکوادور، کوستاریکا، آرژانتین، پانامه و برازیل که هم در کمیته، و هم در کنفرانس، به گونه فعال و کنا از سوی جمهوری توده یی چین حمایت می شدند، به این امر پامی فشرده که حق کشور های ساحلی باید به برقراری ۲۰۰ میلی منطقه اقتصادی و هم به برقراری ۲۰۰ میلی آبهای ساحلی شناخته شود، زیرا از دیدگاه آنان، تنها ازین طریق است که می توان دفاع واقعی از منفعت های دولتهای ساحلی را تضمین کرد.

جریان کار در نشست های نخستین کمیته بستر دریا ها نشان داد که نمایندگان دولتهای محاط در خشکه در رابطه با گرایش در راستای شناسایی قلمروی حاکمیت دولت های ساحلی بر منطقه های گسترده تر از دریا، بس منفی مینگریستند، چون این شناسایی، وضعیت این کشورها را که بد بود، باز هم بدتر می ساخت. دیدگاه کشور های محاط در خشکه از سوی دولتهای دارای وضعیت نامناسب جغرافیایی، یعنی از سوی کشور های که به سبب موقعیت خاص جغرافیایی، تنها دسترسی محدود و کم پهنا به دریا دارند، نیز پشتیبانی می شد.³

با آن هم، نمایندگان دولت های محاط در خشکه اندیشه منطقه سرزمینی با پهنا ۲۰۰ میلی⁴ را از ریشه رد کردند و در ضمن از پیشنویس منطقه انحصاری اقتصادی، در صورتی که منفعت های آنان نیز در نظر گرفته شود، حمایت کردند. در بیانیه نماینده بولیویا در کمیته بستر دریا ها گفته شده بود که «برای اینکه کشورهای درونقادره یی از پذیرش منطقه اقتصادی بسته که برای دولت های ساحلی

¹ O. H. Хлестов, проблемы международно- правовые проблемы Мирового океана, «международная жизнь», 1973 г., No 2

² ضمن اینکه پیشنویس های ارایه شده حقوق دولت های ساحلی را بر منبع های جاندار و غیرجاندار منطقه اقتصادی می پذیرند، با آنهم، آنها در مورد رژیم حقوقی منطقه ها و سازوکار بهره برداری از آن منبع ها ناهمسان می باشند. واکاوی این پیشنویس ها را در اثر زیر زیر بخوانید. ن.

V. Ярославцев Мировой океан и международное право,- международная жизнь, 1975 г., No 1

³ Doc. A/AC. 138/SR. 83; Doc. A/AC. 138/SR. 85; Doc. A/AC. 138/SC. II/ SR. 57.

⁴ در پیشنویسی که از سوی دولت های افغانستان، اتریش، مجارستان، نیپال، بلغارستان، بلژیک، هلند و سنگاپور پیشنهاد شده بود، نوشته شده بود که پهنا ی آبهای سرزمینی نباید بیشتر از ۱۲ میل باشد. ن. (doc. A/AC. 138/55)

منفعت های فزونشمار دارد، پشتیبانی کنند؛ لازم است که دولتهای محاط در خشکه به منبع های جاندار درین منطقه با شرط های مساوی با دولت های ساحلی دسترسی داشته باشند.⁵

نمایندگان دولت های ساحلی دیدگاه دولت های محاط در خشکه را درک کردند. این دیدگاه در پیشنویس های ماده ها درباره منطقه اقتصادی که به کمیته بستر دریاها در کنفرانس پیشکش شد، بازتاب یافته است.

نخستین سند که در آن حق دولت های محاط در خشکه در منطقه انحصاری اقتصادی به گونه رسمی شناخته شده است، پیشنویس کینیا است که در سال ۱۹۷۲ تقدیم کمیته بستر دریاها شد و برپایه نتیجه های سیمینار منطقه یی کشور های افریقایی در یاوندا پیریزی شده بود. در ماده ششم پیشنویس گفته می شود که «دولت ساحلی بهره برداری از منبع های جاندار را در اندرون منطقه خویش برای کشورهای همسایه خود که ساحل دریایی ندارند، و نیز، برای آن کشورهای که تقریب ساحلی دریایی ندارند و همچنان برای کشورهای که شیلات قاره یی اندک دارند، اجازه میدهد، به شرطی اینکه شرکت های تولیدی آن دولت ها به زیر نظارت مؤثر سرمایه ملی قرار داشته باشد.⁶

پیشنوشت های ماده ششم پیشنویس کینیا، در اعلامیه سازمان وحدت افریقا سال ۱۸۷۳ در رابطه با حقوق دریاها رشد بیشتر یافت که در آن گفته شده است «کشورهای افریقایی می پذیرند که، برای اینکه، منبع های جاندار منطقه به خدمت همه مردمان این منطقه قرارگیرد، باید کشورهای درونقاره ای و دیگر کشورهای که در وضعیت نامناسب جغرافیایی واقع اند، بر بنیاد حقوق برابر مانند شهروندان دولت های ساحلی، بر پایه همبستگی افریقایی و بر اساس توافقنامه های دوجانبه یا چند جانبه که می توانند در آینده تهیه گردند، حق دریافت سهمی در بهره برداری منبع های جاندار منطقه های اقتصادی کشورهای همسایه ساحلی خویش، داشته باشند.⁷

از آغاز سال ۱۹۷۳ بدینسو، در عمل، تمام پیشنویس های که در رابطه با منطقه اقتصادی برای بررسی به کمیته بستر دریاها و کنفرانس سوم ملل متحد درباره حقوق دریاها پیش کشیده شده است، از حقوق کشورهای محاط در خشکه درین زمینه یاد می کنند.

بر پایه پیشنویسهای پیشنهاد شده می شود یافته های زیر را یادآور شد:

نزدیک به همه دولت های ساحلی که به پشتیبانی از مفهوم منطقه اقتصادی سخنرانی کردند، حق کشورهای محاط در خشکه را به کاوش و بهره برداری از منبع های جاندار منطقه اقتصادی دولتهای همسایه ساحلی بر پایه دادگرانه یا بی تبعیض شناخته اند.

⁵ Doc. A/AC. 138/SC.II/SR.32

⁶ Doc. A/AC. 138/SC.II/L.10.

⁷ اعلامیه سازمان وحدت افریقا سال ۱۹۷۳ در میان کمیته اعماق دریا ها به فرنام یک سند رسمی که دیدگاه دولت های افریقایی را درباره حقوق دریا بازمی تاباند، پخش شد (doc.A/AC.138/89). مفاد اعلامیه سال ۱۹۷۲ درباره کشور های محاط درخشکه همچنان در اعلامیه دیگر آن سازمان در سال ۱۹۷۴ درباره حقوق دریا ها، تایید گردید. ن. (doc. A/Conf.62/33, p.c9)

همراه با آن نمایندگان دولت های ساحلی به این باور اند که چنین حقی تنها از راه بستن توافقنامه ها میان دولت های علاقمند به آن می تواند عملی و اجرایی شود. چنانچه نماینده کینیا، ضمن سخنرانی خویش در نشست کاراکاس کنفرانس، خاطر نشان کرد که «هیبت نمایندگی کینیا مشکلی نمی بیند بر اینکه از آن مقررہ های پشتیبانی کند که برای دولت های محاط در خشکه امکان هایی را پیشبینی می کند، تا در کاوش و بهره برداری از منبع های جاندار منطقه اقتصادی دولت های همسایه ساحلی بدون تبعیض شریک شوند. اما چنین شریکی می تواند تنها بر پایه توافقنامه های خردمندانه دوجانبه یا منطقه بی باشد». در ماده ۱۹ پیشنویس ماده ها درباره منصفه اقتصادی که از سوی نمایندگان دولتهای بلاروس، بلغاریا، جمهوری دموکراتیک المان، لهستان، اتحاد شوروی و اکراین پیشکش شد، گفته می شود که «چگونگی بهره برداری از سوی دولتهای محاط در خشکه... به ویژه پیشبرد ماهیگیری در منطقه اقتصادی دولت های همسایه ساحلی بر بنیاد اصل برابری با شهروندان آن کشور، از راه امضای توافقنامه ها توسط دولتهای علاقمند، برقرار می گردد». مقررہ های همسان به پیشنویس های دولتهای دیگر، نیز دیده می شود.

کشورهای ساحلی در حال رشد آسیا و افریقا در پیشنویس های خویش قیدی را درجانیده بودند که مطابق آن امتیاز ماهیگیری در منطقه اقتصادی دولتهای ساحلی تنها به شهروندان کشور های محاط در خشکه یا به شرکتهای که زیر نظارت مؤثر عملی آن دولت ها قرار دارند، واگذار می شوند و نمی تواند به هیچصورت، از جمله، نه از راه کدام مجوز یا پروانه و نه از راه ساختن شرکتهای مختلط، به طرف سوم داده شود.

دو پیشنویس دیگر، که یکی از سوی ۱۲ کشور افریقایی و دیگری از سوی کشور های هند، کانادا، کینیا، و سریلانکا پیشنهاد شده بودند، دارای ویژگی های متمایز بودند. در آنها پیشبینی شده است که در توافقنامه های دوجانبه میان دولتهای ساحلی و دولت محاط در خشکه نه تنها شرط های استفاده از حق بهره برداری از منبع های جاندار منطقه، بلکه همچنان بهره برداری از ساحة منطقه اقتصادی که اجرای این حق در آن عملی می شود، نیز در نظر گرفته خواهد شد. بدین گونه، این پیشنویس ها بر این گمانه تکیه دارند که حق واگذاشته شده به یک دولت محاط در خشکه برای بهره برداری از منبع های جاندار منطقه اقتصادی دولت ساحلی همسایه به تمام منطقه اقتصادی نمی گسترده، بلکه به یک ساحة معین آن می گسترده، و آنها ساحة بی که حد و مرز آن از طریق توافقنامه های دوجانبه برقرار می گردد.

کشور های امریکای لاتین که در برقراری پهنای آبهای سرزمینی به اندازه ۲۰۰ میلی پامیشردند، نیز در پیشنویس های خویش از حق دولت های محاط در خشکه به دریا یادآوری نموده اند. با اینهم، آنان در پیشنویس های خویش حق دولتهای محاط در خشکه را در مرز های ۲۰۰ میلی آبهای ساحلی خویش می شناسند، اما بر مبنای حق ترجیحی در مقایسه با کشور های سوم. به گونه نمونه، در بند ۱۴ پیشنویس ارژنتین گفته می شود که «با دولت های فاقد ساحل دریایی، باید توافقنامه های دوجانبه درباره هنجارگان (نظام) عادلانه که در رابطه با دولت های سوم ترجیحی میباشند، به منظور اجرای حق ماهیگیری در همان ساحة دریا عقد گردد». حقوق ترجیحی در رابطه با منبع های جاندار می توانند تنها بر اساس توافقنامه های دوجانبه یا منطقه بی میان دولتهای محاط در خشکه و دولت های

ساحلی انجام یابد و این حقوق نمی تواند به کساوندان (شخص های) حقوقی یا حقیقی کشورهای سوم واگذاشته شود.

از میان همه پیشنویس های که از سوی دولتهای ساحلی، چه در رابطه با منطقه اقتصادی ۲۰۰ میلی و چه در رابطه با آبهای ساحلی ۲۰۰ میلی پیشنهاد گردیده بود، میتوان به سند کاری که از سوی دولت های پاناما، پیرو و اکوادور پیش کشیده شده بود، توجه کرد. زیرا این سند یگانه پیشنویسی است که در آن دولت های ساحلی دارای ساحل های گسترده و پهناور سهم گرفته اند و در آن راهکار منطقه پی برای حل مشکل دسترسی دولت های محاط در خشکه به دریا، در رابطه با منبع های جاندار آن، پیش بینی شده است. در ماده ۱۶، بخش نهم پیشنویس گفته می شود که «دولت های ساحلی که در یک منطقه یا یک ریزه منطقه موقعیت دارند و با دولت های محاط در خشکه پیوسته نمیباشند، حق بهره برداری و نظام ترجیحی را به شرکت های ملی کشورهای محاط در خشکه، در دریای پیوسته به ساحل خویش، بر پایه توافقنامه های منطقه پی، ریزه منطقه پی و دوجانبه، با در نظر داشت منفعتهای دولت های مربوطه، وا خواهند گذاشت».⁸

کشور های محاط در خشکه توجه به حقوق خویش را که در پیشنویس های دولت های ساحلی پیشنهاد گردیده بود ارزشناک می دیدند و به آن به عنوان اندیشه همگانی ارزیابی می کردند مینا بر اینکه گسترش قلمرو دولت های ساحلی به کاوش و بهره برداری از منبع های جاندار، بدون چشمداشت به حقوق و منفعت های دولت های محاط در خشکه نمی تواند انجام گیرد.

همانگونه که در فوق بیان شد، نمایندگان دولت های محاط در خشکه مخالف برقراری پهنای آبهای ساحلی به اندازه ۲۰۰ میلی بودند. در پیوند با منطقه اقتصادی، دولت های محاط در خشکه هم در کمیته بستر دریا ها و هم در نخستین نشست های کنفرانس، دو راه حل ممکن را برای حل پرسمان سهمگیری آنان در بهره برداری از منبع های جاندار منطقه نامبرده پیشنهاد نمودند.

نخست اینکه، آنها پیشنهاد کردند که دولتهای محاط در خشکه باید در رابطه با بازیابی و گسترش منبع های جاندار منطقه، حقوق مساوی با کشورهای همسایه ساحلی خویش داشته باشند. در نشست کاراکاس کنفرانس ملل متحد درباره حقوق دریاها ۱۵ کشور محاط در خشکه⁹ و ۶ کشور دارای موقعیت نامساعد جغرافیایی¹⁰ پیشنویس ماده هایی را پیش گذاشتند که در آن گفته می شود: «دولتهای محاط در خشکه و دولتهای دیگر دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی¹¹ از حق شرکت در بازیابی و بهره برداری از منبع های جاندار منطقه¹²... دولت همسایه ساحلی خویش بر اساس برابر و بی

⁸ Doc. A/AC.138/SC.11/L27

⁹ اتریش، افغانستان، بولیویا، بوتان، بوتسوانا، ولتای بالا، زمبیا، لاوس، لسوتو، لوکزامبورگ، نیپال، پرگوای، سوازیلند، اوگاندا و سوئیس.

¹⁰ بلژیک، عراق، هالند، سنگاپور، فنلند، سوئد. ن

¹¹ در پیوست سند، یادآوری شده است که مفهوم دقیق «دولت های دارای موقعیت جغرافیایی نامناسب» باید شناسنده شود. ن

¹² نقطه ها به جای پهنای منطقه اقتصادی گذاشته شده است، هرگاه در کنفرانس درباره حقوق دریا ها محدوده ۲۰۰ میلی تعیین نگردیده بلکه کدام محدوده دیگر برای پهنای آن منطقه تصویب شود.

تبعیض دارا می باشند. به خاطر آسانسازی بازیابی و بهره برداری خردمندان از منبع های جاندار ساحه های معین از منطقه، دولت های علاقمند می توانند برای تنظیم بهره گیری از این منطقه ها، توافقنامه هایی درخور را امضا کنند»¹³.

در ماده ۴ پیشنویس خاطر نشان شده است که اگرچه کشورهای محاط درخشکه و سایر دولتهای دارای موقعیت نامناسب نباید حقوق خویش را همونوا با ماده ۲ به دولت های دیگر بدهند، اما این گفته هیچگاه به این معنا نیست که این دولتها اجازه نداشته باشند از دولتهای سوم یا از سازمانهای بین المللی مربوطه کمکی را برای انکشاف صنعت ماهیگیری خویش به دست آورند.¹⁴

پس، تفاوت پیشنویس های دولتهای محاط درخشکه و دولتهای دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی از پیشنویس های دولتهای ساحلی که در آن نیز حق دولتهای محاط درخشکه برای فعالیت های ماهیگیری در منطقه ۲۰۰ میلی شناخته می شود، در چیست؟

نخستین تفاوت این است که دولت های محاط درخشکه و دولتهای دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی که این پیشنویس ها را نوشته اند، به این نظر بودند که حقوق واگذاریده شده به آنان نباید وابسته به امضای توافقنامه های دوجانبه یا ریزه منطقه یی با دولت های همسایه ساحلی باشد. از دیدگاه آنان، اگر هنجارها درباره حقوق آنان برای بهره برداری از منبع های جاندار منطقه های اقتصادی دولتهای همسایه ساحلی در پیماننامه جهانی حقوق دریا ها گنجانیده شود، انعقاد توافقنامه های دوجانبه با دولت ساحلی باید وسیله ای برای آسانی کار باشد، نه همچون شرط لازمی و حتمی آن.

در ماده ۲ پیشنویس که در فوق آورده شد، گفته می شود که توافقنامه های دوجانبه «می توانند» (توافقنامه ها حتمی نیستند) برای آسانسازی بهره برداری عادی و خردمندان از منبع های جاندار «منطقه های مشخص» (یعنی نه هر منطقه، بلکه تنها آن منطقه های که تعهد های در آن طلبیده می شود)، انعقاد شوند.

نماینده اتریش که به پیشنویس یادشده روشنی می انداخت، بیان داشت که «لازم است تضمین شود که اجرای حقوق ویژه به آن دولت های که دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی اند، وابسته به نگرش دولت های ساحلی نباشد».¹⁵ در بیانیه نماینده دولت سنگاپور اشاره شده بود که «اگر بستن قرار دادهای دوجانبه یا منطقه یی یگانه راه حل برای دولتهای محاط در خشکه و دولتهای دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی باشد که از بهره برداری منبع های جاندار در دریا سود بگیرند، این امر

¹³ Doc. A/Conf. 62/ C. 2/1., 39

¹⁴ پیشنویس ۲۱ کشور محاط درخشکه و کشورهای دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی (Doc. A/Conf.62/C.2/L.39)، پیشنویس ماده های را که از سوی دولتهای اتریش، افغانستان، بلژیک، بولیویا، نیپال و سنگاپور (doc. A/AC.138/SC.11/39) به کمیته ششم اعماق دریا ها، پیشنهاد شده بود، عوض کرد. اما در رابطه با راهکار های حل مسأله تامین منفعت های ماهیگیری دولت های محاط در خشکه و کشورهای دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی، در منطقه اقتصادی دولت های ساحلی همسایه، این پیشنویس از پیشنویس قبلی کدام تفاوتی ندارد.

¹⁵ Doc.A/AC.138/SR.11/SR.68

دولت های ساحلی را به یک موقعیت ممتاز می گذارد و دولت های غیر ساحلی را به ویژه در زمان پیشبرد گفتگو ها درینباره در یک موقعیت بس ضعیف قرار می داد».¹⁶

بدون شک این راهکار با راهکار دولت های محاط در خشکه برای حل مسأله دسترسی به دریای آزاد همسان است که در آن تلاش می شود تا حقوق بنیادین آنان در پیماننامه بین المللی جهانی گنجانیده شود تا به این طریق از وابستگی به توافقنامه های دوجانبه کاسته شود.

دومین تفاوت در پیشنویس دولت های محاط در خشکه و دولت های دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی در موضوع توضیح عبارت «دولت های همسایه ساحلی» بیان می گردد که دولت های یادشده در پیشنویس، نه تنها دولت های هم مرز خویش را در نظر داشته اند بلکه همه دولت های ساحلی منطقه یا ریزه منطقه را نیز به چشم دارند. در یادداشتی در پیوند با ماده ۲ پیشنویس گفته می شود که عبارت «دولت های همسایه ساحلی» نه تنها شامل دولت های می شود که پهلو به پهلو هم جاگرفته اند، بلکه همچنان شامل همه دولت های منطقه می شود که به اندازه کافی نزدیک به دولت محاط در خشکه جادارند یا نزدیک به دولت دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی قرار گرفته اند».

راه حل ممکن دیگری که برای سازگاری منفعت های دولت های ساحلی و محاط در خشکه در منطقه بیرون از آب های سرزمینی پیشنهاد شده بود، برقراری منطقه اقتصادی نه برای یک دولت جداگانه بلکه برای همه دولت های منطقه یا ریزه منطقه بود. پیشنویس ماده های که درباره منطقه اقتصادی منطقه پی پیشنهاد شده بود، از سوی نمایندگان دولت های زمبیا و اوگاندا در ششمین نشست کمیته بستر دریاها بود و از سوی نمایندگان بولیویا و پاراگوای در دومین نشست کنفرانس سوم ملل متحد درباره حقوق دریاها ارایه شد.

در هر دو پیشنویس بیان شده بود که دولت های ساحلی و دولت های همسایه غیر ساحلی حق دارند فراتر از آب های ساحلی ۱۲ میلی، یک منطقه اقتصادی منطقه ای ایجاد کنند. دولت های که پاره یی از همان منطقه هستند، فعالیت ها در زمینه بازیابی، گسترش و نگهداری از منبع های آنجا را باهم یکجا و از طریق سازوکار های منطقه یی اداره می کنند.¹⁷ همخوان با آن، پیشنویس ها در منطقه های اقتصادی منطقه ای، همکاری دولت های سوم، سازمان های بین المللی دولتی یا غیر دولتی از هرگونه که باشند، همچنان همکاری شخص های حقیقی و حقوقی و دریافت کمک مالی از هر منبع که برای تمویل فعالیت های سازوکار های منطقه ای باشد، روا می باشد.

به هدف سازگاری دیدگاه دولت های ساحلی و کشورهای به اصطلاح «گروه ۵۲» (دولت های محاط در خشکه و دولت های دارای موقعیت نامناسب جغرافیایی) در نشست پنجم کنفرانس سوم ملل متحد درباره دریا ها (اگوست - سپتمبر سال ۱۸۷۶) از نمایندگان هر دو طرف یک گروه نو بنام «گروه ۲۱» ایجاد شد که رییس آن نماینده کشور فیجی گزیده شد.

¹⁶ Doc.A/AC.138/SR.11/SR.67

¹⁷ Doc.A/AC.138/SR.11/L. 41, p. 11. Art. 3, 4; Doc. A/Conf. 62/ C. 2/L 63, Art. 1, 3.

«گروه ۲۱» با اینکه دیدگاه های بس ناهمسان داشت، سرانجام توانست پیشنویس ماده های را که می توان یک سازش خواند، درباره حقوق کشورهای محاط در خشکه در رابطه با ماهیگیری در منطقه اقتصادی دولتهای ساحلی تهیه و تایید کند.

در بند ۱ آن پیشنویس گفته می شود که دولت های محاط در خشکه حق دارند بر بنیاد خاص در بهره برداری از منبع های جاندار منطقه اقتصادی دولتهای ساحلی همان منطقه یا ریزه منطقه سهم بگیرند، و در ضمن، وضعیت اقتصادی و جغرافیایی همه دولتهای ذیعلاقه را درین زمینه در نظر بگیرند. چگونگی چنین سهمگیری توسط خود دولتهای ذیعلاقه و از راه بستن توافقنامه های دوجانبه، ریزه منطقه یی و منطقه یی انجام می یابد (بند ۲).

در بند ۳ پیشنویس ماده ها، گفته می شود که حق دولتهای محاط در خشکه به بهره برداری از منبع های جاندار، شامل منبع های مازادی میشود که شکار آن مطابق ماده های پیماننامه های آینده، مجاز شمرده شود و این حق در برابر کشورهای سوم یک حق ترجیحی خواهد بود. ولی، اگر در منطقه معین، مازاد چندانی از گونه های حیوانی وجود ندارد، پس دولت های ذیعلاقه می توانند این مسأله را از طریق همکاری های دوجانبه، ریزه منطقه ای یا منطقه ای به گونه عادلانه تنظیم کنند، به گونه که، به دولت های ذیعلاقه محاط در خشکه اجازه بهره برداری از منبع های جاندار چنین منطقه یا منطقه ها، داده شود، البته وابسته به وضعیت و با توجه به عامل های زیر:

الف - نیازمندی ها به فراورده های خوراکی دولتهای ذیعلاقه و توانایی های آنان برای رفع این نیازمندی ها؛

ب - ضرورت پرهیز از پیامد های زیانبار برای گروه های ماهیگیری یا صنعت ماهیگیری دولت ساحلی یا کدام بخشی از آن دولت؛

پ - اینکه، به کدام پیمانانه دولتهای محاط در خشکه در بهره برداری از منبع های جاندار منطقه های اقتصادی دولت های دیگر ساحلی سهم می گیرند یا حق دارند سهم بگیرند؛

ت - اینکه، به کدام پیمانانه یک دولت ساحلی، دولتهای دیگر محاط در خشکه را به بهره برداری منطقه اقتصادی خویش اجازه می دهد و البته با در نظر داشت این که فشار بیحد به یک دولت ساحلی و یا در بخشی از دولت ساحلی وارد نشود.

در بند ۴ پیشنویس ماده ها بیان شده است که دولتهای پیشرفته محاط در خشکه می توانند حق بهره برداری از منبع های جاندار را تنها در منطقه های اقتصادی دولت های پیشرفته همان منطقه یا همان ریزه منطقه که به آن متعلق اند، انجام دهند.

از بررسی پرسمان های تامین حقوق دولت های محاط در خشکه در عرصه ماهیگیری در پیوند با گسترش حقوق حاکمیت دولتهای ساحلی بر منبع های جاندار در محدوده ۲۰۰ میلی دریایی، می توان به نتیجه زیر رسید.

از آنجاییکه دولت های محاط در خشکه به مانند دولت های ساحلی نمی توانند حاکمیت قضایی خویش را به منبع های جاندار در محدوده ۲۰۰ میلی دریایی بگسترانند، حقوق آنها که پیش ازین در منطقه

های دریایی متصل به آبهای سرزمینی بر اساس اصل ماهیگیری تضمین گردیده است باید محفوظ بماند. یکی از پذیرفتنی ترین روش حل این مشکل، میتوانست اعطای حق ماهیگیری به دولتهای محاط در خشکه در منطقه اقتصادی کشورهای همسایه ساحلی بر اساس مساوی با شهروندان آن کشورها باشد، همانگونه که در شماری از پیشنویس های پیشگذاشته شده در کمیته بستر دریاها و در کنفرانس سوم ملل متحد در امور دریاها پیشبینی شده است.

البته این حق به ذات خویش نمی تواند پرسمانهای بغرنجی را که بیدرنگ در زمان سهمگیری این کشورها از بهره برداری منبع های جاندار منطقه اقتصادی دولت های همسایه ساحلی، پدید می آید حل کند. بگونه نمونه، نمی توان نصاب شکار این یا آن گونه ماهی ها را که از سوی کشتی های دولتهای ساحلی و دولت های محاط در خشکه انجام می گیرد، پیش از پیش بیان داشت. در چنین حالتی، حتما گسترده ترین تدوین یک پیماننامه جهانی بین المللی نمیتواند جای توافقنامه های دوجانبه را بگیرد. این همه، این را باورمند می سازد که حق دولت های محاط در خشکه برای بهره برداری از منبع های جاندار منطقه های اقتصادی دولت های همسایه می تواند تنها از طریق توافقنامه های دوجانبه و چندجانبه میان دولتهای ذیعلاقه عملی گردد.

برای اینکه حق دولت های محاط در خشکه از سوی شرکت های بزرگ کشورهای سرمایه داری چون پوششی استفاده نشود برای رخنه گری به منطقه اقتصادی دولتهای ساحلی، لازم است که در پیماننامه جهانی درباره حقوق دریاها که در آینده تهیه می گردد، پیشنوشت (قاعده)هایی گنجانیده شود که مطابق با آن بر فعالیت های ماهیگیری دولت های محاط در خشکه در آن منطقه از سوی دولت یا سرمایه ملی کنترل مؤثر انجام یابد.

نظریه منطقه اقتصادی مشترک منطقه بی، بدون شک می توانست یکی از راه های باشد برای دفاع از منفعت های دولت های محاط در خشکه در بخش ماهیگیری، اما این نظریه از سوی بیشترین کشورهای ساحلی چندان حمایت نشد. از جمله رییس هیات نمایندگی کینیا، ضمن ایراد بیانیه از سوی دولت های افریقایی بیان داشت که «اندیشه منطقه مشترک منطقه بی در افریقا، در کنفرانس گروه دولت های افریقایی در نیویارک به بحث گذاشته شد و رد شد. ۱۴ کشور افریقایی محاط در خشکه با این فیصله موافقت کرده اند».